

سخنی چند در باره

رسالة مبارکه قیوم الاسماء

دکترمنوچهر سلمانپور

رسالة مبارکه قیوم الاسماء از قلم معجز شیم حضرت نقطه اولی ارواحنا لمظلومیته الفداء در اثبات حقانیت شریعت جدید الهی بلغت عربی عزّ نزول یافته است. این سفر کریم یکی از شاهکارهای قلمی حضرت اعلیٰ محسوب و سوره اول آن حین اظهار امر مبارک به ملاحسین بشرویه در یوم پنجم جمادی الاولی سنه ۱۲۶۰ هجری قمری فی البداهه بدون درخواست وی و با سرعتی خارج از وصف از یراعه قدرت آن طلعت احدیه صادر گردید. ملاحسین خود اذعان نموده که از جمله علانمیکه از برای صحت ادعای قائم موعود ضروری میدانسته تفسیری بر سوره یوسف بوده که می بایست نفس مبارک مظهر ظهور بصرافت طبع نازل فرماید و چون مشاهده نمود که بی آنکه از منویات قلبی کلامی بزبان آرد و اشاره ای کند این فقره باحسن وجه تحقق پذیرفت، منصعق و دربحری از حیرت و استعجاب مستغرق گردید. نبیل اعظم بیان مینماید که " ... ملا حسین قبلاً از جناب سید کاظم رشتی تقاضا نموده بود که شرحی بر آن سوره بنگارد و سید فرموده بود که این کار از عهده من خارج است. حضرت موعود که بعد از من ظاهر میشود رتبه و مقامش بمراتب از من بزرگتر است. چون آن بزرگوار ظاهر شود بصرافت طبع و بصرف اراده مطلقه خویش بدون آنکه کسی از آن حضرت درخواست کند تفسیری بسوره یوسف مرقوم خواهد فرمود و این بزرگترین

دلیل بر عظمت مقام و جلالت شأن و صدق ادعای آن حضرت خواهد بود" (۱).
مولای توانا حضرت ولیّ عزیز امرالله چند فقره از اعترافات ملاحسین بشرویه را در باره لیلۀ اظهار امر مبارک و نزول اولین سوره آن توقیع عظیم، در لوح قرن احبّای غرب که بلغت انگلیزی از قلم مبارک صادر و بعدها بفارسی درآمده و به " کتاب قرن بدیع " تسمیه گردیده است منقول فرموده اند قوله الاحلی :

"... بنحوی مسحور بیانات آن شمس معانی گشتم که از خود بیخود شدم و از دنیا و مافیها بی خبر ماندم و فکر اصدقاء که در خارج منتظر معاودت من بودند از صفحه ضمیرم محو گردید و ندانستم چه وقت و چه هنگام است..." (انتهی) (۲)
ایضا مولای مهربان در همان کتاب منبع در نعت و توصیف این سفر رفیع چنین میفرمایند، قوله الاحلی:

" در دوران اولیۀ اظهار امر مبارک در شیراز از قلم اطهر تفسیر سوره مبارکه یوسف که حضرت بهاءالله آن را "اول و اعظم و اکبر" از جمیع کتب دور بیان توصیف فرموده اند نازل گردید. مقصود اصلی از نزول این سفر منبع که به "قیوم الاسماء" موسوم و موصوف همانا بیان محامد و نعت یوسف بقا و ذکر مصائب و آلامی است که آن سدره منتهی از جانب برادر بی وفا و اعداء عدو خویش در ظهور بعد تحمّل خواهد فرمود این کتاب مستطاب که در دوران رسالت حضرت باب نزد اهل بیان بمنزلۀ فرقان در بین ملت اسلام شمرده میشود اول و اعظم سوره آن در لیلۀ اظهار امر در حضور جناب باب الباب نازل گردید و بعضی از صفحات آن کتاب مبین بعنوان نخستین اوراق جنت اعلی و اثمار طیبه آن سدره طوبی توسط حامل امانت ربّانی به حضور حضرت بهاءالله تقدیم شد و آن حضرت بمجرّد ملاحظه، عظمت مقام و حقانیت منزل آن آیات را تأیید و تصدیق فرمودند. همین رَقّ منشور و صحیفه نور بود که با بصیرت تام و احاطه بی پایان بهمتّ امه موقنه طاهره زکیه بلسان فارسی ترجمه گردید (۲) و خطابات شدیدۀ آن حسینخان حکمران شیراز را بمخالفت و عناد برانگیخت و موجب ابراز اولین ظلم و طغیان نسبت به مظهر امر حضرت رحمن شد. همین سفر جلیل بود که تلاوت صفحه از آن روح جناب حجت را تسخیر نمود و شعله عشق و انقطاع در قلوب مدافعین قلعه طبرسی برافروخت و قهرمانان نیریز و زنجان را بورود در میدان جانبازی و وفا مبعوث کرد. (۴)

فصل اول - لغت، مطلع، تاریخ، مدت، محل نزول و القاب رساله مبارکه :

۱ - لغت رساله :

رساله قیوم الاسماء بلغت عربی نازل گردیده و تا کنون بچاپ نرسیده است. فقراتی چند از آیات آنرا حضرت ولیّ عزیز امرالله بلغت انگلیسی ترجمه و در متون تواقع مبارکه خویش درج فرموده اند. در محفظه آثار و کتابخانه مرکز جهانی تعداد ۱۰ نسخه اصل و سواد عکسی از این کتاب مبارک موجود است. نسخه های خطی آن را که خطاطین مختلف استنساخ نموده اند در کتابخانه های معروف جهان از قبیل بریطانیا، سان پترزبورگ و یا فرانسه میتوان یافت. طاهره قره العین این کتاب عظیم را از عربی بفارسی ترجمه فرموده ولی نسخه ای از این ترجمه بدست نیامده است. حضرت ولیّ امرالله در این زمینه چنین میفرمایند، قوله الکریم : "همین رق منشور و صحیفه نور بود که با بصیرت تام و احاطه بی پایان بهمت امه موقنه طاهره زکّیه به لسان فارسی ترجمه گردید" (۵)

۲ - مطلع رساله:

این رساله فخریه که بخط مبارک شرف صدور یافته چنین آغاز میگردد، قوله الاحلی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ عَلَيَّ عَبْدِهِ بِالْحَقِّ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ سِرَاجًا وَهَاجًا. إِنَّ
هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ عِنْدَ رَبِّكَ بِالْحَقِّ قَدْ كَانَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ عَلَى الْحَقِّ الْقَيِّمِ مُسْتَقِيمًا.
هیکل اطهر در سرآغاز کتاب مراتب ستایش و نیایش خویش را بدرگاه خداوند
توانا تقدیم میدارند تا همچنانکه در أمّ الکتاب الهی وارد گشته این رساله صمدیه
جهانیان را نوری تابان شود و صراطی مستقیم گردد.

حضرت ولیّ عزیز امرالله در باره فاتحه این رساله چنین میفرمایند قوله العزیز :
" این کتاب عظیم و لوح کریم که از یکصد و یازده سوره و بیش از نه هزار و سیصد
آیه مرکب است و هر سوره ای از آن تفسیر و تبیین يك آیه از آیات سوره یوسف

میباشد فاتحه اش بذکر مقام و دعوی حضرت باب و خطابات و اندازات شدید به مَعَشَرِ
ملوک و ابنای ملوک است آغاز میشود " انتهى (۶)

۲ - تاریخ نزول :

همانطور که قبلاً اشاره شد حضرت اعلی اولین سوره این صحیفه نورا را در لیلۀ
اظهار امر خود در شب پنجم جمادی الاولی سنۀ ۱۲۶۰ هجری قمری نازل فرمودند و
ملأحسین بشرویه این مطلب را بصریح بیان تأکید نموده است و هیچگونه اختلاف
نظری در این زمینه وجود ندارد مگر بیان عبدالحسین آواره که بغلط مدعیست رسالۀ
قیوم الاسماء قبل از اظهار امر مبارک نوشته شده است. (۷)

۴ - مدت زمانیکه رساله مبارکه اتمام گردید:

این کتاب عظیم در مدت چهل روز ترقیم و تکمیل گردید. حضرت نقطه اولی خود در
باره مدت زمانیکه این رساله بپایان رسید چنین میفرمایند، قوله الکریم: " شرح سوره
یوسف را در چهل روز که هر روزی بعض از آن مینوشتم اتمام نمودم و هر وقت هرچه
بخواهم بنویسم روح اللہ مؤید است. " (۸) حضرت ولی امرالله نیز در این باره چنین
میفرمایند قوله المبین : " در دوران اولیه اظهار امر مبارک در شیراز از قلم اطهر
تفسیر سوره یوسف که حضرت بهاءالله آن را اول و اعظم و اکبر از جمیع کتب دور
بیان توصیف فرموده اند نازل گردید. " (۹)

از جانب دیگر ادوارد براون، مستشرق معروف، اظهار داشته است که حضرت باب
کتاب قیوم الاسماء را دربین ماه های می ۱۸۴۴ و دسامبر ۱۸۴۵ باتمام رسانده اند و
این نظریه کاملاً با بیان مبارک حضرت رب اعلی مغایرت دارد. (۱۰)

۵ - محل نزول سوره مبارکه : این سفر جلیل در بیت مبارک که مدینه الله شیراز در
کوچه شمشیرگرها واقعست از قلم معجز شیم حضرت نقطه اولی صدور یافت.

۶ - القاب رسالۀ قیوم الاسماء

در آثار مبارکه حضرت رب اعلی این رسالۀ مبارکه بالقاب مختلفه خوانده شده است
از قبیل قیوم الاسماء ، أَحْسَنُ الْقَصَصِ ، وَرَقَّةُ الْحَرَاءِ ، تفسیرُ الْاَكْبَرِ ، تَأْوِيلُ الْاَعْظَمِ ،
کتاب الْحُسَيْنِيَّةِ و غیره. در الواح جمالقدم جل اسم اعظم این صحیفه نور به قیوم
الاسماء، احسن القصص و یا قیوم الکتاب نامیده شده است.

فصل دوم - لمن کلام مبارک

اسلوبیکه در این رساله سماویه بکار رفته از اسالیب بدیعه در لغت فُضْحی محسوب و اگرچه با نَهج و سیاق بعضی از الواح سائره حضرت نقطه اولی شباهتی دارد و لکن به دلائل شتی این لوح منیع، فرید و بیمثیل و نظیر است. در این کتاب رفیع شرع جدید اعلام و حقانیت آن اثبات و انذارات سماویه تأکید و تفسیر آیات سُور قرانیه تقریر و حقائق دین مبین اعلان و احکام سماویه تنصیص و بمصائب و نوائبی که مقدر است مظهر کلی الهی تحمل فرماید اشاره شده است.

فصل سوم - نحوه تفسیر سوره یوسف

سوره الیوسف که سوره دوازدهم منزله در قرآن مجید است در عالم اسلام به " أَحْسَنُ الْقَصَصِ " نیز معروف و در مکه معظمه نازل گردیده و مشتمل بر یکصد و یازده آیه میباشد و مَطَّلَع آن چنین است (۱۱) :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

"أَلَمْ تَرَ أَنَّكَ إِتَيْنَاكَ الْكِتَابَ الْمُبِينَ. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ. إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ." لازم بتذکر است که اسلوب نگارش آیات قرآنیه با رویه و منهاجی که امروزه در نگارش

لسان عربی استعمال میگردد تفاوت کلی دارد. فی المثل کلمه "آیت" که در قرآن مجید باینصورت وارد آمده امروزه بصورت "آیات" نوشته میشود و کلمه "قرآن" در زبان فارسی "قرآن" نگاشته میشود و قس علیذلك .

لوح مبارک قیوم الاسماء که تفسیری بر این سوره قرآن است خود مشتمل بر سوره های مختلفه بوده و هر سوره بنامی تسمیه شده است از قبیل سوره الملك ، سوره العماء ، سوره الزیاره، سوره الذکر، سوره المدینه، سوره الشهاده و غیره و هر سوره مُصَدَّر بآیه مبارکه " بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ " میباشد. فهرستی از سوره

هاي قِيَوْمِ الاسماءِ مُنْضَمِّ بابين وجيزه است .

اولين سورهٔ اين كتاب عظيم سورة المُلْكِ میباشد که با هَيْمَنَه و طَمَّانِينَه خاصي در يوم اظهار امر مبارك عزّ نزول يافت . تمعّن و تدقيق در آيات مُنْزَلَه در اين رسالهٔ منيعه مستلزم وقت بسيار و احاطهٔ بيكران است چه که در هر كلمه و جملهٔ آن اشاراتي به مواضع مختلفهٔ در اديان سابقه و شريعۀ جديدۀ الهيه وارد گشته که در خور شرح و بسط شافي و وافي است و بدون آن حقّ کلام اداء نميشود و مفاهيم نامعلوم باقي ميمانند. في المثل مسائلي از قبيل "قيام روح"، "نکر" "صف ممدود" "ورود به بهشت"، "پيمان الهي"، "يوسف"، "كتاب الهي"، "ولايت يوسف"، "برادران يوسف"، "دوازده کلمهٔ توحيد"، وغيره نيازمند بتوضيح و تعريف است ولي از حوصلهٔ اين وجيزه خارج میباشد. در آثار طلعات قدسيه گهگاه اشاراتي در بارهٔ مواضع مهّمۀ متنوعۀ اين صحيفۀ مکرمه از يرَاعۀ طلعات قدسيه وارد گشته که دالّ بر اهميت بيكران اين سفر جليل است في المثل لوح مبارك حضرت عبدالبهاء در شرح "قرهٔ العين" و "يا" "نفسين" (۱۲) و يا بيان مبارك حضرت وليّ عزيز امرالله در كتاب قرن بديع بدين مضمون: "جناب حُجَّتِ صفحه اي از كتاب قِيَوْمِ الاسماءِ مُنْزَلَه از قلم انور را بدقت تلاوت نمود واله و شيدا شد و به حَقَانِيَّتِ امر الهي مُذَعِنِ گردید و در حضور جمعي از علماء و بتلامذه اظهار نمود که هرگاه مُنْزَلِ اين آيات ليل را نهار و ظلّ را آفتاب خواند بلاترديد فرمان او را اطاعت کند و از منهج قويمش سر نپيچد." (۱۲) با توجه بآنچه گذشت تحقيقات خود را در اين وجيزه در ذکر رؤس مطالب منحصر کرده توضيح و تفصيل مسائل ديگر را به آينده ميسپاريم و از رفرر اسمائش تأييد و توفيق ميطلبيم انّه سَمِيْعٌ مُجِيبٌ .

فصل چهارم - رؤس مطالب رسالهٔ قِيَوْمِ الاسماءِ

۱ - تعداد سوره هاي رساله قيوم الاسماء:

از آنجا که رسالهٔ قيوم الاسماء تا کنون بچاپ نرسیده است لزوماً در پژوهشهایی که واسطهٔ مُحَقِّقِينَ صورت ميگيرد اختلافاتي بروز خواهد نمود. نگارنده تحقيقات خود را بر پایهٔ دو نسخهٔ خطّي استوار نموده که يکي بخط محمد مهدي ابن کربلائي شاه کرم است که در سال ۱۲۶۱ هجري قمری رساله را تسويد نموده و ديگري بخط ملاعبدالله

فاضل زرقانی میباشد که در کتابخانه مرحوم ایادی امرالله جناب حسن بالیوزی در لندن محفوظ است. در نسخه محمد مهدی اسامی سوره ها مذکور گردیده و تعداد آنها با سوره الملك ۱۱۱ سوره است در حالیکه نام سوره ها در نسخه فاضل زرقانی مذکور نیست. حضرت ولیّ عزیز امرالله بصریح بیان میفرمایند رساله قیوم الاسماء دارای ۱۱۱ سوره است. قوله الکریم: " این کتاب عظیم و لوح کریم که از یکصد و یازده سوره و بیش از نه هزار و سیصد آیه مرکب است و هر سوره ای از آن تفسیر و تبیین یک آیه از آیات سوره یوسف میباشد ... " (۱۴)

۲ - تعداد آیات قیوم الاسماء :

در باره تعداد آیات وارده در این سفر جلیل نیز تفاوت نظر وجود دارد. در نسخه خطی محمد مهدی ابن کربلایی شاه کرم تعداد آیات هر سوره ۴۲ ذکر گردیده است بجز سوره الحزن (سوره ۸۵) که تعداد آن را ۲۲ مرقوم داشته در حالیکه مولای مهربان بنابراینچه در فوق بدان اشاره رفت تعداد آیات را بالغ بر ۹۲۰۰ بیان فرموده اند.

۲ - آیات این رساله از محکّمات است نه متشابهات:

آیات قرآنیّه بدو نحوه نازل گشته، یکی مُحکّمات و دیگری متشابهات. مقصود از آیات محکّمات آنستکه معانی مکنونه در متون آن آیات روشن میباشد و تفسیر لازم ندارد در حالیکه آیات متشابهات نیازمند بتأویل است. در مَصْحَف شریف از طریقه تسمیه و تعیین مفسّرین سخنی بمیان نیامده و فقط اشاره به "الرّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ" گردیده و امر تأویل آیات بآنان تفویض شده است، (۱۵) این مسئله در بین علمای اسلام اختلافات شدیده در ازمنه مختلفه ایجاد نموده در حالیکه حضرت رب اعلی آیات مُنزَله در رساله قیوم الاسماء را از جمله آیات محکّمات تعیین فرموده اند و امکان مشاجره و مجادله از میانه برداشته شده است. حضرتش در این زمینه چنین میفرماید، قوله الخبیر:

إِنَّا نَحْنُ قَدْ نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا هَذَا الْكِتَابَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِالْحَقِّ وَقَدْ جَعَلْنَا الْآيَاتِ فِيهِ مُحْكَمَاتٍ غَيْرَ مُتَشَابِهَاتٍ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهَا إِلَّا اللَّهُ وَمَنْ شِئْنَا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ. فَاسْأَلُوا الذِّكْرَ تَأْوِيلَهُ فَإِنَّهُ قَدْ كَانَ بِفَضْلِ اللَّهِ عَلَىٰ آيَاتِهِ بِحُكْمِ الْكِتَابِ عَلِيمًا. (سورة الايمان)

۴ - آیات قیوم الاسماء حجّت الهی است:

پیامبران الهی هر یک در قرون گذشته شریعت خویش را بطریقه معینی اثبات فرموده

اند و لکن همه و همه در یک امر اتفاق نظر داشته اند که کلمه الله حجت قاطع و برهان لامع از برای امر سبحانی محسوب میگردد. شواهد این قول در کلام الله مجید بتکرار یافت

میشود. حضرت ربّ اعلیٰ نیز آیات الهیه را بمتابۀ حجت کامله قلمداد فرموده و متذکر میگرددند که کلمه الله بمتابۀ برهان متین از برای امر مبین است و سبب نجات و فلاح حقیقی عالم انسانی، قوله الحکیم: **وَإِنَّا نَحْنُ قَدْ جَعَلْنَا آيَاتِ حُجَّةً لِّكَلِمَتِنَا عَلَيْكُمْ**

أَفْتَقَدُونَ عَلَىٰ حَرْفٍ بِمِثْلِهَا فَاتُوا بِزَهَانِكُمْ إِن كُنْتُمْ بِاللَّهِ الْحَقِّ بِصِيرًا. (سورة العلماء) ۵ - آیات قیوم الاسماء و آیات قرآن در صقع واحد قرار دارند:

یکی از براهین اصلیه حضرت باب در تعریف و توصیف آیات منزله از کلمه اطهرشان آن است که کلمه الله در شرع بیان تطابق کامل با آیات قرآنیّه دارد و این مدعا بصراحت تام در آثار متعدده ایشان مذکور گردیده است. از جمله بیان مبارک ذیل است که زیب این اوراق میگردد، قوله المّجیب: **يَا أَهْلَ الْمَدِينَةِ أَنْتُمْ الْمُشْرِكُونَ بِرَبِّكُمْ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ كِتَابِهِ الْفُرْقَانِ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ فَإِنَّا قَدْ نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا بِإِذْنِ اللَّهِ هَذَا الْكِتَابِ بِمِثْلِهِ إِن لَمْ تُؤْمِنُوا بِهِ فَايْمَانَكُمْ بِمُحَمَّدٍ وَ الْكِتَابِ مِنْ قَبْلُ عَلَى الْحَقِّ قَدْ كَانَ كَذِبًا عِنْدَ اللَّهِ مُشْهُودًا وَ إِن تَكْفُرُوا بِهِ فَكُفْرَكُمْ بِمُحَمَّدٍ وَ كِتَابِهِ عِنْدَ أَنْفُسِكُمْ قَدْ كَانَ بِالْيَقِينِ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ مَعْلُومًا** (سورة المدينة) ۶ - آیات قیوم الاسماء بلسان عربی نازل شده است :

کردگار دانا در ادوار گذشته پیامبران خود را در بین طوائف و قبائل مختلفه در پهنه گیتی ظاهر فرموده و آن طلعات قدسیه را مأمور نموده که بلسان قوم خود تکلم نمایند و در قرآن مجید تصریح کرده که کلام الله بزبان عربی که لسان ساکنین جزیره العرب میباشد نازل شده، قوله تعالی: **إِنَّا أَنْزَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** (سورة الیوسف) بدین مناسبت آثار مبارکه حضرت رب اعلیٰ نیز بلسان عربی و فارسی هر دو عزّ نزول یافته است، از جهتی بفارسی که لسان مردم کشور ایران و مهد آئین حضرت یزدانست و از جهت دیگر بعبری که لسان سلاله مبارک و از دودمان حضرت رسول اکرم اند.

هیكل اطهر در این زمینه چنین استدلال میفرمایند قوله المبین: **إِنَّا نَحْنُ قَدْ نَزَّلْنَا الْكِتَابَ عَلَىٰ كُلِّ أُمَّةٍ بِلِسَانِهِمْ وَ لَقَدْ نَزَّلْنَا هَذَا الْكِتَابَ بِلِسَانِ الذُّكْرِ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ**

بَدِيعًا وَإِنَّهُ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فِي أُمِّ الْكِتَابِ عَلَى حُكْمِ الْكِتَابِ قَدْ كَانَ مِنْ أَعْرَبِ
الْعَرَبِاءِ مَكْتُوبًا. (کتاب آثار نقطه اولی ص ۲۹)

۷ - کیست این مظهر ظهور؟

الف - دودمان مبارک: حضرت نقطه اولی از دودمان محمدی و از سلاله حسین بن علی
علیها السلام میباشد. حضرتشان بنفسه المقدس تأکید میفرمایند که از شجره رسول
اکرم و از سلاله حضرت علی بن ابیطالب و فاطمه زهراء اند و بنابرین إصالتاً عرب
وعلوی و فاطمی میباشد و از انجا که منسوب بمکه مکرمه و مدینه منوره اند کُنْیَهُ
مَکِّي و مَدَنِي و ابطحي گرفته اند و چون جدّ بزرگوارشان حضرت حسین بن علی علیه
السلام در اقلیم عراق مدفون است بخاک عراق نیز منتسب اند، قوله الکریم: يَا أَهْلَ
الْأَرْضِ اسْمَعُوا نِدَاءَ الطُّيُورِ عَلَى شَجَرَةِ الْمُتَوَرِّقَةِ مِنْ كَافُورِ الظُّهُورِ فِي وَصْفِ هَذَا الْغُلامِ
الْعَرَبِيِّ الْمُحَمَّدِيِّ الْعَلَوِيِّ الْفَاطِمِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ الْعِرَاقِيِّ بِمَا قَدْ تَجَلَّى الرَّحْمَنُ
عَلَى وَرَقَاتِهِنَّ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيُّ وَ هُوَ اللَّهُ كَانَ عَزِيزًا حَمِيدًا. (سورة العبد)

ب - مشخصات خصوصی مبارک:

هیكل اطهر در رساله قیوم الاسماء مشخصات شخصی خود را توصیف میفرمایند بدین
معنی که جوانی هستند سپیدگون با چشمان مشکین و ابروان کشیده، دیدگان آراسته
چون زر ناب و شانه های زیبا چون سیم مُصَفَّاء، قوله عزّ بیانیه: هَذَا الْفَتَى أُنْبِضَ فِي
اللُّونِ وَ أَدَعَجَ فِي الْعَيْنِ سَوِيًّا فَالْحَاجِبِينَ مُسْتَوِيًّا الْأَطْرَافِ كَالذَّهَبِ الْمُفْرَغِ الطَّرِيًّا مِنْ
الْعَيْنِ مُشَاشَةً الْمُنْكَبِينَ كَالْفِضَّةِ الْمُضْفِيَّةِ الْمَائِلَةَ فِي الْكَأْسِينَ (سورة العبد)

ج - صفات معنوی مبارک:

حضرت رب اعلی در نعت و وصف روحانی و معنوی خویش بیاناتی بدین مضمون دارند
که اهل عما در آسمان حضرتشان را "سرّ خداوندي" مینامند و اهل حجاب "رَمَزِ
لأَمْعِ" میخوانند. اهل سُرادق "وصف مغربي" میدانند و اهل عرش "اسم شرقي"
میگویند، اهل ملکوت "رَسْمِ عَلَوِيٍّ" و اهل آسمان "حقّ عربي" میپندارند. ساکنین
بهشت برین حضرت را "روح فاطمی" میشمردند و مردم زمین "بنده فرشتگان" میدانند
و اهل دریا "نهنگ پایدار" مینامند. قوله المجید: هَذَا فَتَى يُقَالُ لَهُ أَهْلُ الْعَمَاءِ
سَرًّا لَدُنِّي وَ أَهْلُ الْحِجَابِ رَمَزًا لِمَعِي وَ أَهْلُ السُّرَادِقِ وَصَفَ مَغْرِبِيًّا وَ أَهْلُ الْعَرْشِ
إِسْمًا مَشْرِقِيًّا وَ أَهْلُ الْكُرْسِيِّ رَسْمًا عَلَوِيًّا وَ أَهْلُ السَّمَاءِ حَقَّ عَرَبِيًّا وَ أَهْلُ الْجِنَانِ

روح فاطمیی و اهل الارض عیند مَلکی و اهل المآء حوت سَرَمَدیی . (سورة العید)
د - سن مبارک :

سن مبارک نیز از لسان عظمت تعیین و در حین اظهار امر بیست و پنج سال تصریح گردیده است، قوله الحمید: وَ لَا تَقُولُوا كَيْفَ يَكَلِّمُ عَنِ اللَّهِ مَنْ كَانَ فِي السَّنِّ عَلَى الْحَقِّ خَمْسَةً وَ عِشْرُونَ (سورة العماء)

۸ - رتبه و مقام دعوت الهی در این شریعت ربانی :

ایات منزله از قلم مشیت الهیه در این زمینه بسیار است و مراتب و مقامات بی شمار لذا نمیتوان حتی بذکر مختصر اکتفا نمود چه که این وجیزه گنجایش ندارد بنابراین ذیلاً به بعضی از مراتب در کمال ایجاز اشاره میگردد و امید عفو و اغماض دارد:
الف - وعد الهی - امروز روزیست که وعده الهی تحقق یافته و اهل ملکوت و ناسوت که قرنهای منتظر تحقق وعده الهی بوده اند از ظهور موعود زمان از صمیم قلب و روان مسرور و شادمانند، قوله الغفار: إِنَّ هَذَا يَوْمٌ وَعَدِ اللَّهُ بِأَرْبَابِكُمْ لِعِبَادِهِ وَ يَقُولُونَ مِنْ عِنْدِنَا عَلَيْهِمْ سَلَاماً سَلَاماً. (سورة الفردوس)

ب - وصول بدرگاه خداوند متعال - حضرت باب تنها راه وصول بآستان مالک الارباب را از طریق نفس مبارک خویش مذکور مینمایند، قوله المحبوب: هُوَ اللَّهُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَدْ أَرَادَ اللَّهُ عَنْكُمْ الْأَتَّعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ فِي سَبِيلِ هَذَا الْبَابِ خَالِصاً لَهُ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ كَانَ عَنِ الْعَالَمِينَ غَنِيّاً. (سورة الفردوس) و ایضا میفرماید قوله المئان: وَ إِنِّي لَهُوَ الْمُنَادِي فِي قُطْبِ الْكِتَابِ بِالْبَابِ وَ لَا سَبِيلَ الْيَوْمِ مِنْ دُونِ هَذَا الْبَابِ الْعَلِيِّ الَّذِي قَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ كَبِيراً (سورة الحجة)

۹ - ولایت الهی - یکی از عوامل اساسی شناسائی و ایمان به حضرت باری قبول امانت پروردگاری است که انسان بخواهد و بتواند بار سنگین امانت الهی را بدوش کشد. در قرآن مجید آمده است که خداوند امانت الهی که فی الحقیقه ولایت و یا خلافت حق است را به کوه و آسمان و زمین عرضه داشت و آنان از قبول سر باز زدند (سورة الاحزاب). در این دور بدیع نیز بموجب نصوص مبارکه، ولایت الهی بر زمین و کوه و آسمان ارائه گردید و ابا و امتناع ورزیدند و حضرت ذکر الله الکبیر این ثقل فادح را حمل فرمود، قوله الجمیل: وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَرَضَ وَ لَا يَتَنَا عَلَى السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَابْيَنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا فَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ذِكْرَ اللَّهِ الْكَبِيرِ هَذَا عَلِيّاً

(سورة العاشورا)

۱۰ - عهد و میثاق الهی - در ادیان گذشته مسئله عهد و پیمان الهی بصراحت تام در نزد خاص و عام روشن و واضح نبود ولی در شریعت غرّای حضرت اعلیٰ این مسئله صورت جدیدی بخود گرفت و بنا بفرموده مبارک، خداوند قدیر عهد حضرتشان را از جمیع انبیاء و رُسُل گذشته اخذ نمود، قوله العلیّ الاعلیٰ : اِتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَقُولُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ الْاَكْبَرَ بِشَيْءٍ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاِنَّا نَحْنُ قَدْ اَخَذْنَا مِيثَاقَهُ عَنْ كُلِّ نَبِيٍّ وَ اُمَّةٍ بِذِكْرِهِ وَ مَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ اِلَّا بِذَلِكَ الْعَهْدِ الْقَيِّمِ وَ مَا نَحْكُمُ بِالْحَقِّ بِشَيْءٍ اِلَّا بَعْدَ عَهْدِهِ فِي ذَلِكَ الْبَابِ الْاَعْظَمِ (سورة الیوسف)

۱۱ - تأویل کلمة الله بحضورت اعلیٰ اختصاص دارد:

تأویل و تفسیر کلمة الله از جمله اموری است که نقش مهمی را در سبیل حفظ و صیانت شریعة الله ایفاء مینماید و از تفرقه و انشقاق جلوگیری میکند. نزاع و جدال مذهبی که بعلت اختلاف آراء و افکار علماء و مفسرین ایجاد گردیده در ادیان گذشته بدون استثناء و بطرق مختلفه بچشم میخورد و نیازی بتوضیح و تفصیل ندارد. موضوع جنگ هفتاد و دو ملت را همگان شنیده اند. در قرآن مجید تفسیر و تأویل کتاب الله به "الرّاسخون فی العلم" و انگزار شده و لسی شرائطی از برای آن تعیین نگشته است. تأویل آیات در شریعت بابی بنفس شارع مکرم اختصاص یافته است، قوله الرّؤوف: اِنَّا نَحْنُ قَدْ نَزَّلْنَا عَلٰی عَبْدِنَا هَذَا الْكِتَابَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِالْحَقِّ... فَاِسْئَلُوا الذِّكْرَ تَاوِيلَهُ قَدْ كَانَ بِفَضْلِ اللَّهِ عَلٰی آيَاتِهِ بِحُكْمِ الْكِتَابِ عَلِيْمًا (آثار نقطه اولی ص ۲۹). تأویل و تفسیر و تعبیر از جمله مسائل دقیقه ایست که محتاج بشرح کامل میباشد و خارج از حوصله این وجیزه است ولی بعنوان نمونه یک فقره کوتاه که از کلمه مطهر حضرت باب در تفسیر "رسول" و یا "ثَمَرَةُ الْبَتُول" عزّ صدور یافته زیب این اوراق میگردد، قوله جلّت عظمته : وَ قَدْ قَصَدَ الرَّحْمَنُ فِي ذِكْرِ يُوْسُفَ نَفْسَ الرَّسُولِ وَ ثَمَرَةَ الْبَتُولِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَشْهُوداً... وَ اِنَّ اللَّهَ قَدْ اَرَادَ بِالسُّنْسِ فَاطْمَئِنَّةً وَ بِالْقَمَرِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِالنُّجُومِ اُمَّةَ الْحَقِّ فِي اَمِّ الْكِتَابِ مَعْرُوفًا. (سورة الیوسف)

۱۲ - القاب حضرت رب اعلیٰ در قیوم الاسماء:

حضرت ربّ اعلیٰ در کتاب قیوم الاسماء القاب مختلفه از برای نفس مبارک خویش

اختیار فرموده اند که در صفحات آن رُق منشور مذکور گردیده است از قبیل "ذکر"، "ذکرالله"، "ذکرالله الکبیر"، "ذکرالله الاکبر"، "باب"، "باب الله"، "بابُ الْمُنْتَظَر"، "عبد"، "عبدالله"، "قُرَّةُ الْعَيْنِ"، "ثواب الاکبر"، "ثمره الفؤاد"، "طَلَسْم اعظم"، "قائم"، و القاب دیگر. تدبّر و تعمق در معانی و مفاهیم این القاب نیاز بمطالعه و مذاقه در آثار مبارکه دارد که از حوصله این مقال خارجست و لکن به منظور تنویر اذهان به یک یا دو آیه از رساله قیوم الاسماء زیلا استشهاد میگردد.

در باره کلمه ذکر و ذکر الله آیاتی چند در فوق مذکور گردیده و نیازی بتکرار نیست. در باره "باب" و "باب الله" نیز آیاتی تا کنون زیب این اوراق گشته و فقط یک فقره دیگر اضافه میشود، قوله الرحمن: **إِنَّا نَحْنُ قَدْ جَعَلْنَا فِي كُلِّ شَيْءٍ آيَةً مِنَ الْبَابِ وَ هِيَ أَحْسَنُ التَّقْوِيمِ مِنْ سِرِّ الْعَظِيمِ قَدْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ مَكْتُوبًا**. (سورة القدر)

و این آیه مبارکه شاهدهیست صادق از برای "بابُ الْمُنْتَظَر"، قوله الرحیم: **يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ أَنَا بِأَبِ إِمَامِكُمُ الْمُنْتَظَر... مَنْ اتَّبَعَنِي إِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعَدَّ لَهُ فِي الْقِيَمَةِ نَارًا مِنْ نَارِ الْحَدِيدِ كَبِيرًا** (سورة الامر).

در باره "عبد" و "عبد الله" آیات بی شمار است و آیه ذیل کفایت مینماید: **يَا أَهْلَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ مَا أَنَا وَ لَا هَذَا الْعَبْدُ إِلَّا عَبْدُ اللَّهِ وَ كَلِمَتِهِ يَدْعُوكُمْ إِلَى الدِّينِ الْخَالِصِ بِإِذْنِ اللَّهِ الْحَمِيدِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَ بِأَوْلِيَائِهِ عَلِيٌّ وَ عَلِيٌّ ذِكْرِي هَذَا عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ شَهِيدًا**. (سورة الاشهاد)

راجع به قُرَّة العین نیز آیات بی شمار است و در این مقام نظر را بآیه مبارکه ذیل جلب مینماید، قوله العطوف: **يَا قُرَّةُ الْعَيْنِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ اضْطَفَيْكَ بِكَلِمَةٍ فَأُظْهَرَ عَلَى الْعَالَمِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ رَشْحَةً فِي ذِكْرِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ كَانَ غَنِيًّا شَهِيدًا** (سورة الرعد).

اما در باره لقب ثواب الاکبر از لسان اطهر چنین نازل گشته، قوله الجواد: **يَا عِبَادِي فَأَزْعَبُوا إِلَى ثَوَابِ الْأَكْبَرِ هَذَا فَإِنِّي قَدْ خَلَقْتُ لِلذَّكْرِ جَنَاتٍ لَا يَعْلَمُهَا سِوَايَ وَ حَلَلْتُ مِنْهَا شَيْئًا لِنَفْسٍ إِلَّا بَعْدَ الْقَتْلِ فِي سَبِيلِهِ فَأَرْقَبُوا هَذَا الثَّوَابَ الْأَكْبَرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَلِيِّ وَ هُوَ اللَّهُ كَانَ عَلِيًّا عَظِيمًا** (سورة الاسم)

در خصوص لقب "ثمره الفؤاد" فقراتی چند در رساله قیوم الاسماء موجود است از جمله این آیه مشکبیز را نقل مینماید، قوله المبرم: **يَا ثَمْرَةَ الْفُؤَادِ فَاسْمَعْ هَذَا النَّدَاءَ مِنْ هَذِهِ الْوَرَقَاءِ الْمُغْنِيَةِ فِي جَوْ الْعَمَاءِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيَّ بِالْحَقِّ إِنِّي أَنَا**

اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ هُوَ اللَّهُ كَانَ عَزِيزاً حَكِيمًا. (سورة الاسم).

اما لقب طَلَسْم اعظم نیز در امکنه متعدده وارد گشته از جمله آیه مبارکه زير است: اِنَّا نَحْنُ قَدْ نَزَّلْنَا الْكِتَابَ عَلَىٰ كُلِّ اُمَّةٍ بِلِسَانِهِمْ وَ لَقَدْ نَزَّلْنَا هَذَا الْكِتَابَ بِلِسَانِ الذِّكْرِ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ بَدِيعاً وَ اِنَّهُ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ فِي اُمِّ الْكِتَابِ عَلَى حَكْمِ الْكِتَابِ قَدْ كَانَ مِنْ اَعْرَبِ الْعُرَبَاءِ مَكْتُوباً وَ اِنَّهُ هُوَ الْفَصِيحُ مِنْ اَبْلَغِ الْبُلْغَاءِ وَ هُوَ الطَّلَسْمُ الْاَعْظَمُ بِالْحَقِّ وَ اِنَّهُ قَدْ كَانَ فِي اُمِّ الْكِتَابِ طَلَسْمِيّاً مَرْمُوقاً. (آثار نقطه اولی ص ۲۹)

و اما در باره کلمه "قائم" فقط بدین آیه مقدسه اکتفا مینماید که از لسان عظمت نازل قوله تعالی: اِنِّیْ اَنَا الْقَائِمُ الْحَقُّ الَّذِي اَنْتُمْ بظهوره تَوَعَدُونَ. (کتاب یوسف بهاصص ۴۴) ۱۲ - اختیار القاب مختلفه بمقتضای حکمت بوده است. -

یکی از مسائل کلیه که در شریعت حضرت نقطه اولی مد نظر محققین قرار گرفته آن است که مقتضای حکمت در تعیین القاب مختلفه چه بوده و چگونه صاحب امر پیروان شرع خود را گهگاه در پس پرده، پنهان داشته است. لسان قدرت در رساله قیوم الاسماء این مطلب را در امکنه مختلفه شرح داده اند و مراعات حکمت را بجهت حفاظت و کلائت شریعت الهیه و مؤمنان اولیه مذکور فرموده اند. یکی دو مورد را ذیلا زیب این اوراق مینماید، قوله الارفع: يَا قُرَّةَ الْعَيْنِ اِذْعَ اِلَى سَبِيلِ اللَّهِ الْاَعْظَمِ بِالْحِكْمَةِ وَ اِنَّ اللَّهَ رَبُّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ كَانَ اللَّهُ بِالْمُؤْمِنِينَ شَهِيداً. (سورة الاشهاد) و ایضاً میفرماید، قوله الحکیم: يَا قُرَّةَ الْعَيْنِ لَا تَجْعَلِي يَدَكَ مَبْسُوطَةً عَلَى الْاَمْرِ لِانَّ النَّاسَ فِي سُكْرَانٍ مِنَ السَّرِّ وَ اِنَّ لَكَ الْكِرَّةَ بَعْدَ هَذِهِ الدَّوْرَةِ بِالْحَقِّ هُنَالِكَ فَاطْهَرِ مِنَ السَّرِّ سِرّاً عَلَى قَدْرِ سَمِّ اِبْرَةِ فِي الطُّورِ الْاَكْبَرِ لِيَمُوتَنَّ الطُّورِيُّونَ فِي السَّيْنَاءِ عِنْدَ مَطْلَعِ رَشْحٍ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ الْمُهَيِّمِ الْحَمْرَاءِ بِاِذْنِ اللَّهِ الْحَكِيمِ وَ هُوَ اللَّهُ قَدْ كَانَ عَلَيْكَ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ حَفِيفاً (سورة القراية). ایضا در رساله دلائل السبعه در این بابت چنین مسطور قوله الغفور: و نظر کن در فضل حضرت مُنْتَظَرُ که چقدر رحمت خود را در حق مسلمین واسع فرموده تا آنکه آنها را نجات دهد. مقامی که اول خلق است و مَظْهَرِ ظهور آیه اِنِّیْ اَنَا اللَّهُ چگونه خود را باسم باییت قائم آل محمد ظاهر فرمود و باحکام قرآن در کتاب اول حکم فرمود تا آنکه مردم مضطرب نشوند از کتاب جدید و امر جدید و ببینند این مشابه است با خود ایشان لَعَلَّ مُحْتَجِبَ نشوند و بآنچه از برای آن خلق شده اند غافل نمانند" (ص ۸۴) و در مقامی دیگر میفرماید قوله عزّ

بیانه : عرفان حق صرف عرفان الله و حُبُّ او حُبُّ الله است و چون حَسَدٌ این خَلْق را میدانستم از این جهت امر بکتمان اسم نموده بودم (ص ۸۶)

۱۴ - سائر القاب - در آثار مبارکه حضرت باب و بالاخص در رساله قیوم الاسماء آن سازج وجود القاب و صفات دیگری نیز اختیار فرموده اند که حال نمیتوان جمیع آنها را در این مختصر بیان داشت. مثلاً کلمه "اسرار" است که در این باره چنین میفرمایند، قوله اللاتین : قُلْ إِنِّي أَنَا الْأَسْرَارُ فِي مَلَأِ الْعَمَاءِ بِالْحَقِّ الْأَكْبَرِ لَقَدْ كُنْتُ حَوْلَ النَّارِ مَسْتَوْرًا (سورة الاسم) و ایضا کلمه "عدل" و یا "قسط" بمفهوم عدل و میزان الهی، قوله الامنع: مَنْ آمَنَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ إِنَّا نَذْكَرُ مَا كَانَ إِلَّا نَفْسَ الْعَدْلِ وَ هُوَ اللَّهُ كَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ شَهِيدًا. (سورة الاحدیة)

۱۵ - آل الله - والده، حرم و ولد مبارک :

در رساله قیوم الاسماء در دو سوره مبارکه "القراة" و "العبد" بیانات شتی راجع به عائله و والده و حَرَم و سلیل مبارک علیهم آف التَّحِيَّة و الثَّنَاء وارد آمده است و ذیلا این اوراق را بسه فقره از این آیات باهرات مزین و مُطَرِّز میسازد :

اول - والده مبارک از لسان عظمت بلقب اُمُّ الْمُؤْمِنِينَ مُلَقَّب و متباهی گردید و در کتاب قیوم الاسماء باین خطاب رفیع مخاطب قوله الامجد: يَا أُمَّ الذِّكْرِ إِنَّ السَّلَامَ مِنَ الرَّبِّ عَلَيْكَ قَدْ صَبَرْتَ فِي نَفْسِ اللَّهِ الْعَلِيِّ فَأَعْرِفِي قَدْرَ وَلَدِكَ كَلِمَةَ الْأَكْبَرِ فَإِنَّهُ الْمَسْنُورُ فِي قَبْرِكَ وَ يَوْمَ حَشْرِكَ وَ إِنَّكَ قَدْ كُنْتِ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي اللَّوْحِ الْحَفِيفِ عَلَى أَيْدِي الذِّكْرِ مَكْتُوبًا. (سورة القراة)

دوم - حرم مبارک که از لسان قدرت بلقب خَيْرُ النِّسَاءِ ملقب گردیده اند، در همان رَق منشور باین خطاب منیع مخاطب گشته قوله الاصدق: يَا أَيَّتُهَا الْحَبِيبَةُ مِنْ لَدَى الْمَحْبُوبِ عِنْدَ حَبِيبِي مَا أَنْتِ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِعْظَمِي فَضْلَ الذِّكْرِ الْأَكْبَرِ إِنْ اتَّبَعْتَ أَمْرَ اللَّهِ الْحَقِّ فِي الْحَقِّ الْأَكْبَرِ إِعْرِفِي حَقَّ الْعَظِيمِ مِنْ كَلِمَةِ الْقَدِيمِ لِنَفْسِكَ وَإِفْخَرِي بِالْجُلُوسِ مَعَ الْحَبِيبِ مَحْبُوبِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَ يَكْفِيكَ الْفَخْرُ هَذَا مِنْ لَدَى اللَّهِ الْحَكِيمِ حَمِيدًا. (سورة القراة)

سوم - ولد مبارک - أحمد طفل نازنین شارع مبین که در دوران صباوت بمشیت غالبه حضرت احدیت روحش از عالم خاک پرواز و بجهان لولاك شتافت، از قلم معجز شیم والد ماجدش در لهیب فراقش چنین نازل قوله الباذل: أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِقُرَّةِ

عَيْنِي فِي الصَّغَرِ أَحْمَدَ وَإِنَّا قَدْ رَفَعْنَاهُ إِلَى اللَّهِ بِالْحَقِّ عَلَى حَرْفٍ مِنْ عِلْمِ الْكِتَابِ وَ
 قَدْ كَانَ الْحُكْمُ فِي أَمْرِهِ عَلَى عِلْمِ اللَّوْحِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَقْضِيًّا. يَا قَرَّةَ الْعَيْنِ فَأَصْبِرْ عَلَى
 قَضَاءِ رَبِّكَ فَبِكَ فَبَانَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ بِالْحَقِّ وَهُوَ الْحَكِيمُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ اللَّهُ مَوْلَاكَ
 قَدْ كَانَ فِي الْحُكْمِ مَحْمُودًا. قَدْ أَطَعْتُ أَمْرَ اللَّهِ الْحَقُّ بِاللَّهِ وَ قَدْ رَضَيْتُ بِاللَّهِ رَبِّي الَّذِي
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ مَا أُرِيدُ إِلَّا كَمَا يَشَاءُ اللَّهُ رَبِّي بِالْحَقِّ وَ هُوَ اللَّهُ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا
 (سورة العبد)

۱۶ - علم مظهر ظهور علم لدنی است :

از جمله مطالبی که در کتاب قیوم الاسماء مورد نظر قرار گرفته مسئله اثبات علم مظهر
 ظهور است که گرچه بکتاب نرفته و تحصیل مدارج ظاهری مدارس ناسوتی نفرموده
 علمش کامل و شامل است و بحقیقت اشیاء مطلع و آگاه. نزول رساله قیوم الاسماء با
 کیفیتتی که در فوق شرح داده شد نشانه ای از وسعت دریای ژرف و طمطم زخار علم و
 حکمت آن سازج قدرت و صولت ربانیست و لکن ملاحظه میشود بمانند آنچه که در عالم
 اسلام اتفاق افتاده است. در این ظهور اعظم نیز دشمنان و بداندیشان مظهر الطاف را
 مورد هزاران سهام تهمت و افتراء قرار دادند و لسان بطعن و اعتراض گشودند. با
 رسول اکرم به مُحاجّه برخاستند و بدینجهت کردگار جهان در قرآن فرمود: فَإِن حَاجُّوكَ
 فَقُلْ أَسَلْتُمْ وَجْهِي لِلَّهِ. (سوره آل عمران) حضرت اعلی نیز همین رویه را اتخاذ و
 متذکر شدند که آنچه از لسان مبارک جاری میشود از جانب پروردگار است قوله الافخم:
 وَ إِذْ حَاجُّوكَ أَهْلُ الْكِتَابِ بِشَيْئٍ فَقُلْ لَأَعْلَمَ لِي إِلَّا بِمَا قَدْ عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي أَسَلْتُمْ وَجْهِي
 لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ. (سورة الایمان) جمال اقدس ابهی جلّ جلاله نیز در همین
 زمینه در لوح مبارک خطاب بسططان ایران میفرمایند که نسائم حضرت رحمن مرا بیدار
 نمود و علم لدنی آموخت. قوله الاعظم : إِنِّي كُنْتُ كَأَحَدٍ مِنَ الْعِبَادِ وَ رَاقِدًا عَلَى
 الْمِهَادِ مَرَّتَ عَلَيَّ نَسَائِمُ الرَّحْمَنِ وَ عَلَّمَنِي عِلْمَ مَا كَانَ لَيْسَ هَذَا مِنْ عِنْدِي بَلْ مِنْ لَدُنْ
 عَزِيزٍ حَكِيمٍ.

۱۷ - دو نفس : از جمله مواضع مهمّه دیگری که در رساله قیوم الاسماء مذکور گشته
 مسئله دو نفس و یا دو باب است که حضرت اعلی بتلویحی ابلغ از تصریح ببزرگواری
 و رفعت شأن دو نجم باذخ سماء ایمان حضرت شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی
 اشاره میفرمایند و مقام شامخشان را تجلیل مینمایند، قوله الوهاب: اِعْلَمُوا يَا أَهْلَ

الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ مَعَ الْبَابِ بَابَيْنِ مِنْ قَبْلِ لِيُعَلِّمَكُمُ أَمْرَهُ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ مِنْ حَوْلِهِ عَلَى الْحَقِّ مَشْهُوداً. (سورة القدر). حضرت عبدالبهاء روح ما سِوَاهِ فِدَاهِ تَفْسِيرِي در شرح این آیه مرقوم و موضوع دو نفس را بتفصیل توصیف فرموده اند که مطالعه آنرا توصیه و تأکید مینماید گو اینکه شرح مزبور خود نیز بعَلَّتْ عَلَوِّ مَعَانِي و سَمَوِّ مفاهیم بسیار دشوار و نیازمند بشرح و بسط کاملست. صدر این لوح منیع مبارک به هُوَاللَّهُ تَعَالَى شَانِهِ الْعِظْمَةِ - اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْخَطَّ الْمُتَكَوِّنَ مِنَ النُّقْطَةِ الْأُولَى الظَّاهِرَةِ بِالْبَاءِ طِرَازَ الْخَتْمِ الْإِسْمِيَّةِ الْمُهَيَّنَةِ عَلَى الْأَسْمَاءِ مَزِينِ اسْت. حضرت مولی الوری در این لوح غراء در باره "نَفْسَيْنِ" که بمعنای دو نفس است شرح مفصلي مرقوم فرموده اند و تعبیر دیگری نیز افزوده اند که مقصود از دو نفس یکی اولین نفسی است که بمظهر ظهور الهی ایمان آورده و دیگری اولین شخصی است که از آن حضرت اعراض کرده است (مائدهٔ اسمانی جلد نهم ص ۴۸ - ۶۹).

۱۸ - باب الباب: پس از آنکه حضرت رب اعلى رتبه و مقام دو کوكب ساطع و مبشّر لامع ظهور خویش را اعلام فرمودند آنگاه بنعت و توصیف باب مدینه شریعت سمحاء میپردازند و شَرَفٌ مُثَوَّلٌ و حضور تلقاء وجه مبارک را بواسطه او تعیین میفرمایند، قوله الرفع: إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَدَّرَ لَكُمْ فِي الْبَابِ بَاباً عَلَى الْإِذْنِ لِيُبَلِّغَكُمْ إِلَى الْبَابِ بِإِذْنِهِ وَ هُوَ اللَّهُ قَدْ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيماً. (سورة القدر)

۱۹ - رتبه و مقام حضرت یوسف در نظر طلعت اعلى.

مسئلهٔ رتبه و مقام حضرت یوسف در نظر پیروان ادیان گذشته یکسان نیست. برخی وی را از زمره انبیاء محسوب میدارند و برخی دون آن میگویند. بعضی از اصحاب اندیشه میدانند و گروهی از ارباب علم و سیاست میپندارند و چون بحث و گفتگو در این مقوله بتطویل کلام منجر خواهد شد از اتیان دلیل و برهان امتناع میورزد و بنصوص مبارکه در قیوم الاسماء اکتفا مینماید. طلعت احدیه در سوره های مختلفه بصریح بیان به نبوت حضرت یوسف شهادت میدهند، فی الجملة آیه ذیل، قوله المبين وَ إِنَّا نَحْنُ بِالْحَقِّ عَصَبَةٌ فِيمَا أَرَادَ اللَّهُ فِي شَأْنِ يَوْسُفَ النَّبِيِّ مُحَمَّدَ الْعَرَبِيِّ حَوْلَ السُّطْرِ مَسْتوراً. (سورة العماء) و ایضا میفرماید، قوله المستعان: فَلَمَّا قَدْ وَجَدْنَا مِنْ يَوْسُفَ حُبًّا إِلَى الذِّكْرِ الْأَكْبَرِ فَالْبَسْنَاهُ بِإِذْنِ اللَّهِ مِنْ قَمِيصِ النُّبُوَّةِ مِمَّنْ كَانَ حَطًّا لَهُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ حَوْلَ النَّارِ مَقْضِيًّا. (سورة السطر)

۲۰ - حکایت حضرت یوسف و شرح اسلام و آئین الهی در دور اعظم:

شرح زندگی حضرت یوسف و توطئه برادران حسودش و چگونگی نجاتش از قعر چاه و فروش و بردگی در مصر و بالاخره وصول بذروه قدرت و ملاقات پدر نیک اختر و برادران حسود و لطف و مرحمت بینظیرش از مسائلی است که پیشینیان هریک به نحوی در باره آن قلمفرسائی نموده اند و در این مختصر نمیگنجد و لیکن اشاراتی که در رساله قیوم الاسماء در باره حیات وی وارد آمده مستلزم مطالعه است و در این مقام فقط بیکی دو مورد از آن اشاره مینمائیم. (رجوع شود بکتاب یوسف بها در قیوم الاسماء)

اولا - حضرت رسول اکرم حیات یوسف نبی را نمونه بارزی از برای مَتَفَرِّسین محسوب داشته و میفرمایند که زندگی یوسف و برادرانش برهانی است لامع از برای مردم تا از آن پند و عبرت گیرند و بدانند که راستی و حقیقت بالاخره روشن و آشکار گردد و بر کذب و عناد چیره شود، قوله الامتن : وَ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْمُتَسَائِلِينَ (قران کریم - سورة اليوسف).

ثانیا - حضرت باب حیات یوسف را با زندگانی حضرت سید الشهداء مقایسه نموده و میفرمایند: وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ يُوسُفَ وَ إِخْوَتَهُ كَلِمَةً التَّوْحِيدِ وَ قَدَّرَهَا الرَّحْمَنُ بِإِثْنَيْ عَشْرَةَ حَرْفًا وَ قَدْ كَانَتْ هَذِهِ الْكَلِمَةُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ عِنْدَ رَبِّكَ فِي السَّطْرِ الْمُسَطَّرِ حَوْلَ السَّطْرِ مَنْطُورًا. وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ خَصَّ يُوسُفَ بِحَرْفِ الْهَاءِ جَزَاءً لِقِيَامِهِ لَدَى الرَّحْمَنِ فِي الْيَوْمِ الْمَعْلُومِ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ عَلَى الْأَرْضِ وَحِيدًا. (سورة العصر)

ثالثا - در شرح وقائع زندگانی حضرت یوسف و اتیان تفسیر و تأویل بر چگونگی حدوث این اتفاقات، حضرت ربّ اعلیٰ بذکر مسائلی میپردازند که شایان توجه است منجمله آیه مبارکه ذیل است که در متن آن بریب و رشک برادران یوسف اشاره نموده و اغوای پدر را بمتاع دنیا تشبیه میفرمایند، قوله الرحيم: أَللَّهُ قَدْ أَخْبَرَ الْمُؤْمِنِينَ حُكْمَ إِخْوَةِ يُوسُفَ بَعْدَ الرَّجُوعِ عَنِ الْأَرْضِ الْوَاحِدِيَّةِ مِمَّا قَدْ فَعَلُوا عَلَى الْحَقِّ يُوسُفَ وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ حَبِيرًا. فَلَمَّا رَجَعُوا عَلَى الْحَقِّ قَدْ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا قَدْ ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ عَلَى الْأَرْضِ الْعَمَاءِ وَ تَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَنَاعِ الْأَحَدِيَّةِ مِنْ رَبَّنَا الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَكَلَهُ النَّاطِرُونَ بِالْإِشَارَةِ اللَّهُ فِي لُجَّةِ الْبِدْءِ وَ قَدْ كَانُوا بِذَلِكَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ بِاسْمِ الذُّئْبِ مَكْتُوبًا. (سورة الصراط) . (۱۶)

رابعا - در باره بردگی حضرت یوسف که به مبلغ ناچیزی بفروش رفت و مقارنه اش با یوسف الهی در این دور صمدانی، آن سلطان وجود مردم مشرق و مغرب زمین را برحذر میدارد که از خدا بترسند و یوسف الهی را بجان بی ارزش خود و یا بدرهمی چند از مال خویش خریداری نکنند، قوله الرفیع : یا أَهْلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ کونُوا خَائِفِينَ عَنِ اللَّهِ فِي أَمْرِ يَوْسُفَ الْحَقِّ بَأَنَّ لَا تَشْتَرُوهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَ لَا بِدَرَاهِمٍ مَعْدُودَةٍ مِنْ أَمْوَالِكُمْ لِتَكُونُوا فِي ذِكْرِهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ فِي حَوْلِ الْبَابِ مَحْمُودًا. (اشار نقطه اولی ص ۲۲۲) و در مکانی دیگر در احسن القصص حضرت باب همین تشبیه را در باره امام حسین علیه السلام تقریر و میفرمایند که یزید پسر معاویه نیز یوسف رحمانی امام حسین بن علی را بچند درهم ناچیز بدست آورد، قوله العزیز : وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَطَعَ رَحْمَتَهُ عَنِ قَاتِلِ جَدْنَا الْحُسَيْنِ عَلَى أَرْضِ الطَّفِّ وَاحِدًا قَرِيدًا وَ لَقَدْ اشْتَرَى يَزِيدُ بْنُ مُعْوِيَةَ عَلَى الْبَاطِلِ رَأْسَ يَوْسُفَ الْحَقِّ بِثَمَنٍ بَخْسٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ دَرَاهِمٍ مَعْدُودَةٍ مِنْ مَلِكِهِ عَلَى حِزْبِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ كَفَرُوا بِاللَّهِ عَلَى الْبَاطِلِ بِالْحَقِّ عَظِيمًا.

۲۰ - حدود و احکام منزله در قیوم الاسماء:

اگرچه مقصود از نزول رساله قیوم الاسماء ارائه تفسیری بر آیات سوره یوسف بوده است ولیکن بموجب آنچه در فوق بدان اشاره گردید این رقی منشور مشتمل بر مطالب عظیم و گرانمایه در مسائل دینی و معنوی و تاریخی بوده و آئین جدید الهی را اعلان و حقائق مکنونه شرائع سابقه را تشریح مینماید و برحسب بیانات متعالیه حضرت ولیّ عزیز امرالله پرده از محن و بلا یای وارده بر نفس مقدّس مظهر کلی الهی جمال اقدس کبریائی برمیدارد و باب معرفت موعود کلّ ملل و امم را میگشاید. از سوی دیگر این کتاب رفیع الشأن حاوی مسائل کلی آئین جدید الهی از قبیل حدود و احکام و سنن و آداب است و دو سوره کامل آن به احکام و تعالیم شرع جدید اختصاص یافته و ذیلا برخی از این قوانین را باختصار مذکور میدارد. اما قبل از هرچیز باید گوشزد نمائیم که حضرت اعلیٰ اجرائی احکام را به قدرت و استطاعت ناس موکول فرموده اند و متذکر گشته اند که خداوند از مؤمنین بیش از قوه و قدرتشان انتظاری ندارد، قوله الفضال: وَ إِنَّا لَا نُرِيدُ عَلَى النَّاسِ إِلَّا اسْتِطَاعَةً مَعْرُوفَةً وَ مَا نَكْفُلُ لِنَفْسٍ إِلَّا أَقْدَرَ قُوَّتِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ كَانَ عَلَى الْحَقِّ غَنِيًّا وَ حَمِيدًا. (سوره الاحکام) نا گفته نماند که در شرع

اسلام نیز همین رویه معمول و خداوند تکلیف را بقدر توانائی مقدر داشته است چه که در قرآن مجید وارد لا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (سورة البقرة) . در آئین بهائی اجزای حدود به حبّ الهی منوط و در کتاب اقدس مسطور، قوله تعالی : **إِعْمَلُوا حُدُودِي حُبًّا لِّجَمَالِي**.

الف - نماز و روزه و زکوة و آداب آن: حکم نماز و روزه و وضو و زکوة کل بر حسب شرع اسلام است و بعضی جزئیات از قبیل نحوه اجرای وضو و غیره در سورة الاحکام مذکور است. مثلاً در باره روزه میفرمایند که صیام سدی است فیما بین خالق و مخلوق و روزه دار باید اعضاء و جوارحش از لهو و لغو و لعب برحذر باشد.

ب - ازدواج و طلاق، سقط جنین، تربص و غیره - حضرت نقطه اولی اقتران را در شرع الهی تمجید و طلاق را تقبیح و انرا خطائی کبیر قلمداد و شرائط هریک را تعیین نموده اند. مثلاً در باره طلاق میفرمایند قوله الاصدق: **لَا تَغْزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّهَا خَطَاءٌ مَنِعَةٌ وَ إِنْ كُنَّ يَغْلَمَنَّ الْمَوَابِقَ فَأَنْصَحُوهُمْ بِحُكْمِ الْكِتَابِ وَ هُوَ اللَّهُ قَدْ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ شَهِيداً.** (سورة الاحکام).

ج - احکام مربوط بحلال و حرام .

۱ - حضرت رب اعلی مواهب و عطایای سماویّه را که سلطان وجود به ابناء بشر ارزانی داشته حلال فرموده اند و آنچه از برای اهل اسلام حلال بوده را نیز در شرع مبارکشان مقبول دانسته اند مگر موارد معینی که در کتاب مذکور است و بعلت رعایت اختصار از ذکر انها امتناع میشود، قوله الفیاض : **إِنَّا أَخْلَلْنَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَ مَا تَدَبَّرُونَ فِي أَخْذِ الصَّيْدِ فَكُلُوا حَلَالاً مِنْ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ اذْكُرُوا إِسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ هُوَ اللَّهُ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبيراً.** (سورة الاحکام)

۲ - حضرت باب نسبت پیروان ادیان سائره نیز عنایت خاصی مجری داشته و آنچه را در کتاب آسمانیشان پیروان آن ادیان حلال بوده تأیید فرموده اند قوله الغفار : **إِنَّا قَدْ أَخْلَلْنَا طَعَامَ أَهْلِ الْكِتَابِ عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمَ النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيراً.** (سورة الاحکام)

د - قوانین مدنی: بعضی از قوانین و طریقه تنفیذ آنها در رساله قیوم الاسماء تنصیص گردیده است فی المثل در باره اهمیت ازدواج و نامرغوبی طلاق و یا مدت تربص قرینه بعد از وفات زوج، و یا قتل غیر عمد، زنا و اعمال ناشایست دیگر.

میزان مجازات هریک تعیین شده است. مثلاً در باره قتل‌ی که اشتبهاً رخ داده، دینه معینیه اختصاص یافته، قوله المحمود: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَعَلَيْهِ فِي حُكْمِ الْكِتَابِ صِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ. (سورة الاحکام). مدت تریبص زن بعد از فوت شوهر چهارماه معین گردیده است.

ه - دخول و خروج از بیت : یکی از مسائل مهمه ایکه مد نظر حضرت اعلی قرار گرفته

رعایت شئون و آداب اجتماعی است و سنن و تعالیمی از برای آنان تصریح نموده اند.
۱ - ورود بمنزل مردم بدون کسب اجازه از آنان حرام میباشد

۲ - نحوه ارتباط با نفس مظهر ظهور نیز توصیف شده است. اولاً دخول بخانه حضرت باب بدون اذن معظم الیه جائز نیست، قوله الاعز الامنع: لَا تَدْخُلُوا بَيْتَ الْبَابِ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا لِلْأُولَئِنَ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ مُنِيبًا (سورة الحوریه). ثانیاً ورود بخانه

شارع اکرم نیز مستلزم اجرای آداب خاص دیگری از قبیل پاکی و طهارت و ذکر تکبیر (الله اکبر) بتعداد ۱۱۰ بار است، قوله الاعلی: يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تَدْخُلُوا عَلَى عَبْدِنَا إِلَّا بِإِذْنِهِ بَعْدَ طَهَارَتِكُمْ بِالْحَقِّ وَ وَقُوفِكُمْ لَدَى الْبَابِ ذَاكِرًا بِتَكْبِيرِ اللَّهِ الْحَقِّ عَلَى الْحَقِّ الْخَالِصِ مِائَةً وَ عَشْرًا (سورة الحوریه). ثالثاً از پشت دیوار بیت حضرت باب، ایشان را صدا ننمائید و هنگام مشی در خدمت معزی الیه بر ایشان تقدّم نجوئید و در محضرشان نجوی نکنید. و قس علیذلك و - تلاوت آیات در هر صبح و شام:

تسبیح و ترتیل آیات را در هر صبح و شام حضرت اعلی از واجبات دین محسوب فرموده اند چه بذکر حق قلوب مطمئن میگردد و عقول منور میشود، قوله المهین: سَبِّحُوا اللَّهَ مَوْلِيَكُمْ الْحَقَّ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحَقَّ عَلَى الْحَقِّ فِي سَبِيلِ الْبَابِ عَلَى الْمَسَاءِ وَ الصَّبَاحِ بِالْكَلِمَةِ الْأَكْبَرِ حَوْلَ الْبَابِ مَحْمُودًا.... يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ فَأَعْبُدُوا اللَّهَ كَمَا يُرِيكُمْ الْحَقَّ آيَاتِهِ وَ آرْتَقِبُوا أَمْرَ اللَّهِ الْحَقِّ فِي كُلِّ الصَّبَاحِ وَ الْمَسَاءِ بِالْحَقِّ الْخَالِصِ (سورة التبلیغ)

۲۱ - حرمت شرب خمر و ممنوعیت قمار:

شرب مسکرات در آئین بابی ممنوع است و بیپروان شرع مبین تاکید گردیده است که

از مداوا با مشروبات الکلی احتراز جویند و قمار نیز از مُحَرَّمات محسوب است چنانچه میفرماید قوله الودود: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَرَادَ فِي كِتَابِهِ الْحَمِيدِ بِالْخَمْرِ الْأَوَّلِ وَ بِالْمَيْسِرِ الثَّانِي فَاجْتَنِبُوا عَنْهُمَا وَ لَا تَدَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِشَرْبِ الْحَرَامِ (سورة الاحکام) ۲۲ - جمال قدم جلّت عظمته در رساله قیوم الاسماء - در این رساله کریمه ذکر جمال اقدس ابهی جلّ ثنائه بطرق مختلفه وارد آمده مثلاً به اسم " بَقِيَّةُ اللَّهِ " اشاره شده که در آیه ذیل موجود است، قوله الامنع: يَا بَقِيَّةُ اللَّهِ قَدْ فَدَيْتُ بِكَ لِي لَكَ وَ رَضَيْتُ السَّبَّ فِي سَبِيلِكَ وَ مَا تَمَنَيْتُ إِلَّا الْقَتْلَ فِي مَحَبَّتِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ مُغْتَصِمًا قَدِيمًا" و این آیه بکرات از قلم غصن ممتاز دوحه بقا در توقیعات شتی مذکور گردیده است. ایضا " بَقِيَّةُ اللَّهِ الْمُنْتَظَرُ " که در آیه ذیل وارد گشته قوله الودود: اِسْمَعُوا فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ أَنَا وَ الْبَيْنَاتِ بَقِيَّةُ اللَّهِ الْمُنْتَظَرِ أَمَّاكُمْ وَ هَذَا كِتَابِي قَدْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ فِي أُمِّ الْكِتَابِ بِالْحَقِّ عَلَى الْحَقِّ مَسْطُورًا (سورة العماء). و همچنین "بَابُ بَقِيَّةِ اللَّهِ" که در این آیه مبارکه نازل، قوله الامتن: فَسُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئُهُ ذِي الْعَرْشِ الْقَدِيمِ فَمَا هُوَ إِلَّا عَبْدُ اللَّهِ وَ بَابُ بَقِيَّةِ اللَّهِ مَوْلِيكُمْ الْحَقُّ .. (سورة الحورية). کلمه "بهاء" در مفاهیم گوناگون نیز در رساله قیوم الاسماء مسطور و مذکور از جمله آیه مبارکه ذیل است: قُلْ إِنِّي لَحُورِيَّةٌ قَدْ وَلَدْتَنِي الْبِهَاءُ فِي قَضْرٍ مِّنْ قِطْعَةِ الْيَاقُوتِ الرُّطْبَةِ الْمُتَحَرِّكَةِ (سورة الحورية)

۲۲ - حقایق شیعه و قصاص از یزید بن معاویه : در ردّ حزب سُنّت و جماعت و تأیید حقایق ولایت حضرت علیّ بن ابیطالب نیز بیان مبارک در رساله قیوم الاسماء مُصَرَّح و موجود چنانچه میفرماید، قوله الصمد: يَا أَهْلَ الْمَدِينَةِ وَ مَنْ حَوْلَهَا مِنَ الْأَعْرَابِ مَا لَكُمْ كَيْفَ كَفَرْتُمْ بِمُحَمَّدٍ بَعْدَ وَفَاتِهِ عَلَى غَيْرِ الْحَقِّ جَهَارًا. أَلَمْ يَأْخُذَ اللَّهُ وَ نَبِيَّهُ عَنْكُمْ عَهْدًا فِي وَصَايَةِ وَلِيِّهِ فِي مَوَاطِنِ الْأَرْضِ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ كَثِيرًا (کتاب اثار نقطه اولی ص ۲۰) و در باره قصاصی که خداوند از قاتل سید الشهداء گرفته میفرمایند، قوله الارفع: وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَطَعَ رَحْمَتَهُ عَنْ قَاتِلِ جَدِّنَا الْحُسَيْنِ عَلَى أَرْضِ الطَّفِّ وَاحِدًا فَرِيدًا وَ لَقَدْ إِشْتَرَى يَزِيدُ بْنُ مُعْوِيَةَ عَلَى الْبَاطِلِ رَأْسَ يَوْسُفَ الْحَقِّ بِثَمَنٍ بَخْسٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ مِنْ مَلِكِهِ عَلَى حِزْبِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ كَفَرُوا بِاللَّهِ عَلَى الْبَاطِلِ بِالْحَقِّ عَظِيمًا. (ایضا ص ۲۲)

۲ - تبلیغ امر الهی - تبلیغ امرالله را حضرت رب اعلی بر کل لازم و مفروض داشته

اند و در سوره اول رساله قیوم الاسماء ملوک و سلاطین را بِالْأَخْصِ مأمور میفرمایند که از برای هدایت اهل شرق و غرب بسرپرده حقیقت قیام نمایند. قوله الاعلی: يَا مَعْشَرَ الْمُلُوكِ بَلِّغُوا آيَاتِنَا إِلَى التُّرْكِ وَ أَرْضِ الْهِنْدِ بِالْحَقِّ عَلَى الْحَقِّ سَرِيعاً وَ مَا وَرَاءِ أَرْضِهَا مِنْ مَشْرِقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا بِالْحَقِّ عَلَى الْحَقِّ قَوِيّاً. (سورة الملك)

۲۵ - دوره آینده - در چند مکان در رساله قیوم الاسماء اشاره به " دوره دیگر " و یا "کرة ثانیه" شده است که بیک استشهاد در این مقام اکتفا مینماید. قوله الاحلی: فَسَوْفَ قَدْ أَمَدْنَاكُمْ بِجُنُودٍ لَا يُرَاهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَحَدٌ وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ كَتَبَ لَكَ الدَّوْرَةَ بَعْدَ هَذِهِ الْكُرَّةِ لِيَوْمِهِ الْأَكْبَرِ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ مَخْتوماً (سورة التعبير)

۲۶ - تلاوت آیات در سحرگاهان - یکی دیگر از اوامر آن کنز مخزون تلاوت ادعیه و مناجات در بکور و آصال است که در سوره های متعدد مورد تاکید قرار گرفته از جمله آیه ذیل. قوله الامجد: فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْ هَذَا الْقُرْآنِ بَكْرَةً وَأُصِيلاً وَ رَتَّلُوا هَذَا الْكِتَابَ بِإِذْنِ اللَّهِ الْقَدِيمِ عَلَى لَحْنٍ مِنْ ذَلِكَ الطَّيْرِ الْمُغْنِيِّ فِي جَوَّ السَّمَاءِ تَرْتِيلاً (سورة الكتاب) و در باره سجده در هنگام سحر میفرماید، قوله الحكيم: يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ قَوْمُوا فِي أَسْحَارِكُمْ لِلَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ سَجِدْ أَعْلَى الْحَقِّ قِياماً (سورة الشكر)

۲۷ - حج بیت - حج در این شرع جدید همانند شرع اسلام تعیین گردیده است (سورة المرآت)

۲۸ - قسم خوردن - قسم خوردن به صدق و یا کذب هر دو ممنوع است (سورة الاحکام)

۲۹ - توبه - توبه مقبول و مظهر ظهور خود صدقات را اخذ میفرماید. (سورة الاحکام)

۳۰ - مبادی و احکام در رساله قیوم الاسماء بکثرت نقل شده همچنین مسائلی از قبیل "نُقَبَاء"، "یومیکه مقدار آن پنجاه هزار سال است"، "کُفْرِ أَعْرَابٍ شَدِيدٍ تَرْتِيلاً" از کُفْرِ اعجام است"، "اصحاب کُفْرٍ"، "مال دنیا سبحات جلال" ببار میآورد و هزاران مسئله دیگر.

۳۱ - لیلة القدر - لیلة القدر از هزار ماه اجرش بیشتر تعیین گردیده و صلوة غدیر و صوم آن نیز فرض و واجب شده است (سورة الحج)

۳۲ - رساله های مبارکه حضرت رب اعلی عموماً با بیان ذیل خاتمه مییابد قوله الغفار: سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

فصل یَنجُم - شرح مختصری در باره سوره الملك

تعظیم و تکریم بیمنتہائی کہ ملاحسین نسبت بہ رسالہ قیوم الاسماء مرعی داشته از حد شرح و توصیف خارجست زیرا کہ عظمت و سطوت نزول آن صحیفہ جلیلہ را در لیلہ اظہار امر آن سازج وجود در طول حیات خویش ہموارہ مد نظر داشت . حضرت ولی عزیز امراللہ اظہارات ملاحسین را در مجد و شوکت ان دقائق پرهیجان در کتاب قرن بدیع نقل میفرمایند " جان و وجدان از ترنمات معنویہ اش حین نزول آیات قیوم الاسماء اہتزاز جدید حاصل نمود . در خاتمہ ہر بیان آن مولای عالمیان بہ این آیہ مبارکہ ناطق سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۷) همچنانکہ گذشت حضرت باب در بدایت سوره الملك لسان بستایش و نیایش ایزد متعال میکشایند کہ با نزول این کتاب متین نور مبین از برای ہدایت مَن فِي الْعَالَمِينَ تابان گردید و پس از حمد و ثنا بدرگاہ خداوند یکتا بصریح بیان تاکید میفرمایند کہ صراط مستقیم الہی مظهر ظہور جدید است کہ ذکرش در کتب الہیہ مذکور و اکنون در عالم وجود موجود قولہ الکریم " وَ اِنَّهُ فِي اُمِّ الْكِتَابِ لَعَلِّيَّ وَ عَلَى الْحَقِّ الْاَكْبَرِ قَدْ كَانَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ حَكِيْمًا وَ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَ عَلَى الدِّينِ الْخَالِصِ قَدْ كَانَ فِي اُمِّ الْكِتَابِ حَوْلَ الطُّورِ مَسْطُورًا " سپس سبب و علت نزول تفسیر این رسالہ مُكْرَمَه را تقدیر الہی قلمداد میفرمایند قولہ العزیز : " اَللّٰهُ قَدْ قَدَّرَ اَنْ نُّخْرِجَ ذٰلِكَ الْكِتَابَ فِي تَفْسِيْرٍ اَحْسَنَ الْقَصَصِ مِنْ عِنْدِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ لِيَكُوْنَ حُجَّةً اللّٰهُ مِنْ عِنْدِ الذِّكْرِ عَلِيٍّ الْعَالَمِيْنَ بَلِيْفًا " بدین مضمون کہ ایزد متعال چنین مقدر فرمود کہ این کتاب در تفسیر احسن القصص از نزد ائمه اطہاریکہ نام مبارکشان در فوق وارد آمدہ بر حضرت موعود کہ مسمی بہ ذکُر اللہ است نازل شود و بمثابہ حجت الہی بر عالمیان گردد .

این ادعای عظیم کہ در سورہ اولیہ نخستین توقیع مبارک بیان گردیدہ حجت

بالغیست بر طلوع شمس حقیقت که سحاب غیب را مرتفع ساخته بی پرده و حجاب در آفاق جهان اشراق فرموده است . سپس حضرت باب قدم فراتر نهاده اعلان میفرماید که مقصود از "الدین الخالص" همانا نفس مبارک فرستاده الهیست که در این اوان در حیّز امکان ظاهر و عیان گردیده است، قوله المستعان ، " إِنَّ الدِّينَ الْخَالِصَ هَذَا الذِّكْرَ سَالِمٌ فَمَنْ أَرَادَ الْإِسْلَامَ فَلْيَسَلِّمْ أَمْرَهُ لِأَنَّ يَكْتُبَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِ الْأَبْرَارِ مُسْلِمًا " بدین مضمون که مقصود از دین خالص حضرت ذکر است (مقصود حضرت باب میباشد) و هرآنکس اسلام بخواهد باید بدو تسلیم گردد تا خداوند نامش را در ردیف نیکوکاران صالح مذکور نماید

و چون مقام حضرت ذکر روشن و معلوم گشت رتبه و شأن حضرت باب الباب نیز تعیین و توصیف میگردد بدین منوال که اعمال نفوس در صفحه وجود مقبول واقع نمیشود مگر آنکه ناس در مدینه عزّ الهی که بابش در دست باب الله نهاده شده داخل گردند، قوله العلیّ الاعلیّ: وَ إِنَّ اللَّهَ لَنْ يَقْبَلَ مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْضِ الْعَمَلِ الْأَمِّنِ أَتَى الْبَابَ بِالْبَابِ سَاجِدًا لِلَّهِ الْقَدِيمِ مِنْ حَوْلِ الْبَابِ مَحْمُودًا.

آنگاه کلام الهی متوجه ملوک و سلاطین عالم شده مأمور میگردند که چشم از ملک حق برگیرند قوله العلیم : يَا مَعْشَرَ الْمُلُوكِ انصَرِفُوا عَنِ مَلِكِ اللَّهِ جَمِيعَكُمْ بِالْحَقِّ عَلَى الْحَقِّ جَمِيعًا. و در مقامی دیگر میفرماید قوله العظیم : ... وَ اِرْضَ بِحُكْمِ اللَّهِ الْحَقُّ فَإِنَّ الْمَلِكَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ عَلَى شَأْنِ الذِّكْرِ بِأَيْدِي اللَّهِ قَدْ كَانَ بِالْحَقِّ مَسْطُورًا. سپس لحن حق متوجه پادشاه مسلمین میشود که باید بنصرت حضرت ذکر قیام نماید و میفرمایند پروردگار عالمیان سلطان و اطرافیانش را در روز قیامت مسئول قرار خواهند داد، قوله الحکیم، يَا مَلِكَ الْمُسْلِمِينَ فَانصُرْ بَعْدَ الْكِتَابِ ذِكْرَنَا الْأَكْبَرَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ قَدَّرَ لَكَ وَ لِلْحَافِينَ مِنْ حَوْلِكَ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى الصُّرَاطِ مَوْقِفًا عَلَى الْحَقِّ مَسْئُولًا. در این هنگام پرده از انذار شدید الهی برداشته میشود و پادشاه اعلام میگردد که چنانچه با حضرت باب بدشمنی برخیزد خداوندگار او را در روز قیامت روانه آتش خواهد نمود و پشتیبانی بجز حق

نخواهد یافت، قوله الحکیم : يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ تَاللَّهِ الْحَقُّ لَوْ تَعَادَى مَعَ الذِّكْرِ لَيَحْكُمَ اللَّهُ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَيْكَ بَيْنَ الْمُلُوكِ بِالنَّارِ وَ لَنْ تَجِدَ الْيَوْمَ مِنْ دُونِ اللَّهِ الْعَلِيِّ عَلَى الْحَقِّ بِالْحَقِّ ظَهِيرًا.

وزیر اعظم پادشاه نیز مخاطب الهی قرار گرفته و باو میفرمایند که از خداوند بهراسد و از دنیا گوشه گیری اختیار نماید چه که زمین و آنچه بر اوست از آن حضرت نکر است. اگر آنچه را حق مقدر فرموده است بگوش هوش بشنوند و سر اطاعت فرود آورند در روز قیامت از بهشت برین نصیب برند درحالیکه مشرکین را بجز متاع دنیا سهمی نبوده و نیست قوله الخبیر : وَ إِنَّا نَحْنُ ضَمَنَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِأَنْفُسِكُمْ أَنْ تُطِيعُوا الذُّكْرَ بِالصُّدُقِ الْخَالِصِ بَأَنَّ لَكُمْ فِي الْقِيَمَةِ فِي جَنَّةِ الْعَدْنِ مُلْكَاً عَلَى الْحَقِّ عَظِيماً. وَ إِنَّ مُلْكَكُمْ هَذَا بَاطِلٌ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ مَتَاعَ الدُّنْيَا لِلْمُشْرِكِينَ وَ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ مَوْلَكُمْ حُسْنَ الْمَآبِ قَدْ كَانَ بِالْحَقِّ عَلَى الْحَقِّ قَدِيماً. لازم بتذکر است که "متاع دنیا" مفهومی است که در سوره آل عمران در قرآن مجید وارد گردیده است که عشق زن و فرزند و گردآوری زر و سیم و گاو و گوسفند و زمین و نهال و مال و منال و غیره از جمله آن است قوله الکریم : " زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنْطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرِثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ... " () سپس ملوک و سلاطین بتبلیغ امر الهی در خاور و باختر گیتی مأمور میگردند، قوله العزیز : يَا مَعْشَرَ الْمُلُوكِ بَلِّغُوا آيَاتِنَا إِلَى التُّرْكِ وَ أَرْضِ الْهِنْدِ بِالْحَقِّ عَلَى الْحَقِّ سَرِيعاً وَ مَاوَرَاءَ أَرْضِهَا مِنْ مَشْرِقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا بِالْحَقِّ عَلَى الْحَقِّ قَوِيًّا. همچنین مردم زمین رامستحضر میفرمایند که اگر به نصرت خداوندگار بپردازند حق آنانرا منصور و مظفر خواهد نمود و اگر اطاعت و انقیاد حضرت ذکر را پیشه نمایند آنان را در جنت رضوان وارد خواهد ساخت، قوله البصیر: وَ اعْلَمُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ فِي يَوْمِ الْقِيَمَةِ بِالذُّكْرِ الْأَكْبَرِ عَلَى الصِّرَاطِ نَصراً كَرِيماً يا اهل الأرض من أطاع نكر الله و كتابه هذا فقد أطاع الله و أوليائه بالحق و قد كان في الآخرة من أهل جنة الرضوان عند الله مكتوباً.

بالاخره در اواخر سوره بصریح بیان تاکید میفرمایند که نتیجه اعمال پسندیده یا کفر و اعراض نفوس بخود آنان راجعست و حق از این امور مستغنی است، قوله المبین :

تَاللَّهِ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ تَكْفُرُوا بِاللَّهِ وَ بآيَاتِهِ لَكُنَّا بِاللَّهِ عَنِ الْخَلْقِ وَ الْمَلِكِ عَلَى الْحَقِّ غَنِيًّا.

یادداشت ها

- ۱ - تاریخ نبیل - مطالع الانوار - نوشته محمد زرندي معروف بنییل اعظم. این کتاب را حضرت ولي عزیز امرالله بانگلیسي ترجمه و تلخیص فرموده اند و سپس آن ترجمه را مرحوم سعد جلیل بیگ در مصر بعربي برگردانده و جناب اشراق خاوري از عربي به فارسي ترجمه و تلخیص نموده اند.
- ۲ - حضرت شوقي رباني - کتاب قرن بدیع -
- ۳ - ایضا - این ترجمه مفقود الاثر میباشد و تا کنون نسخه اي از آن بدست نیامده است.
- ۴ - حضرت شوقي رباني - کتاب قرن بدیع - صفحه ۵۷
- ۵ - ایضا - صفحه ۸۱ - ضمنا متذکر میگردد که جناب ابوالقاسم افغان بنگارنده این اوراق اطلاع داده اند که زمانیکه بشرف لقای مولای توانا حضرت ولي عزیز امرالله مشرف بودند از ترجمه مزبور استفسار نمودند و هیکل مبارک متذکر گردیدند که طاهره درایام بدشت شبها قسمتی از ترجمه احسن القصاص را برای احباب میخواند. همچنین فرمودند که این ترجمه در حال حاضر مفقود الاثر است و لکن در آینده پیدا خواهد شد .
- ۶ - ایضا - کتاب قرن بدیع - صفحه ۷۹
- ۷ - عبدالحسین آواره - کواکب الدریه فی مآثر البهائیه - صفحه ۴۱
- ۸ - دکتر محمد حسینی - کتاب یوسف بها در قیوم الاسماء - صفحه ۵
- ۹ - حضرت شوقي رباني - کتاب قرن بدیع - صفحه ۷۹.
- ۱۰ - دکتر محمد حسینی - کتاب یوسف بها در قیوم الاسماء - صفحه ۵
- ۱۱ - کلمه " أَحْسَنُ الْقَصَص " در قرآن مجید در سوره یوسف نازل شده و باید توجه داشت که کلمه قَصَص (بمعنی قصه گوئي) با کلمه قِصَص (بمعنی قصه ها) اشتباه نگردد.
- ۱۲ - حضرت عبدالبهاء - لوح مبارک مندرج در مائده اسماني جلد نهم ص ۴۸-۶۹
- ۱۳ - حضرت شوقي رباني - کتاب قرن بدیع - صفحه ۵۷ .
- ۱۴ - حضرت شوقي رباني - کتاب قرن بدیع - صفحه ۷۹ .
- ۱۵ - قرآن مجید - سوره النساء آیه ۱۱۲.
- ۱۶ - قرآن مجید - سوره آل عمران (۲) آیه ۱۴ - مردم (ظاهربین دنیا پرست کوتاه نظر) را آرایش حبّ شهوات نفساني که عبارت از میل بزنها و فرزندان و هیمنهائی زر و سیم و اسبهاي نشاندار نیکو و چهارپایان و مزارع و املاک است در نظر زیبا و دلفریب است لیکن اینها همه متاع زندگانی دنیاست و نزد خداست همان منزل بازگشت نیکو (که بهشت لقای الهی و نعمت باقی ابدیست) - (منقول از کتاب قرآن کریم - از انتشارات اسوه - ترجمه مهدي الهی قمشه ای) .
- ۱۷ - حضرت شوقي رباني - کتاب قرن بدیع ص ۴۴ .
- ۱۸ - قرآن مجید - سوره آل عمران . آیه ۱۴